

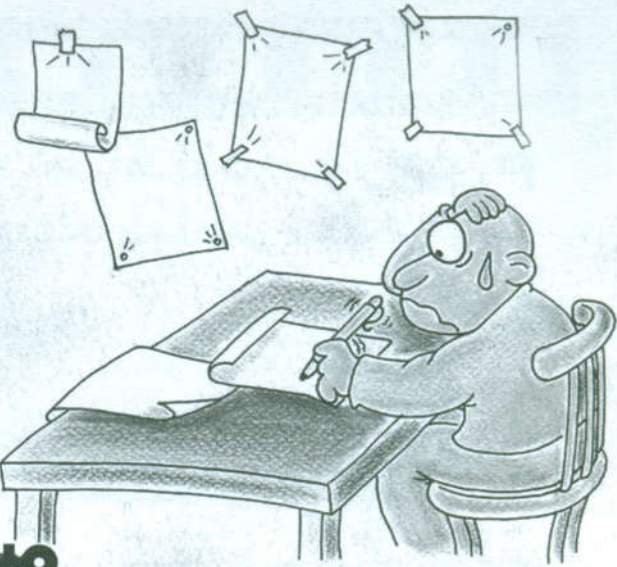
۴. یکی از مشکلات خبرنگار جماعت کم‌هوشی و عدم قدرت تفسیر و تجزیه و تحلیل صحیح می‌باشد. مثلاً در رابطه با گفته‌های جناب رحیم مشائی چه رسوایی و آبروریزی راه انداختند که چی؟ اوشان چند بار که حواسش نبوده گفته ما با ملت اسرائیل! (دور از جان، رویم به دیوار) دوست هستیم پر واضح است که این حرف، اشتباه است چون اسرائیل و ملت اسرائیل یک امر تخیلی و فانتزی است و وجود خارجی ندارد و بعید است یک مقام به این بلندپایگی همچو خبطی کند و بگوید ما با یک چیزی که وجود خارجی ندارد دوست هستیم. بهتر بود جماعت خبرنگار که به این خبر مثل یک لقمه چرب و نرم گیر دادند! کمی به خود زحمت می‌دادند و کمی در ژرفای مطلب غور می‌کردند تا لب مطلب را درک کنند. منظور جناب مشائی از ملت اسرائیل! ملتی است که صاحب سرزمینی است که به غلط بعضی‌ها اسرائیلش می‌نامند یعنی همان ملت فلسطین و اوشان به خاطر اینکه لج صهیونیست‌ها را در بیاورد این اصلاح ملت اسرائیل را از خودش درآورده، پس منظور این ملت اسرائیل! ملت اسرائیل! نیست بلکه منظور ملت فلسطین است و کسانی که منظور جناب رحیم مشائی را نفهمیده‌اند آدم‌های کج فهمی هستند که باید با آنها برخورد شود و هر چه زودتر خودشان استعفا بدهند و به خواست ملت و دولت و نمایندگان مجلس و خیلی آدم‌های مهم‌تر احترام بگذارند و اصلاً به آنها چه که در موضوعاتی که ربطی به جناب رحیم مشائی ندارد از اوشان سؤال می‌کنند. اگر مرد هستند یا زن هستند درباره گردشگری و ایرانگردی از اوشان سؤال کنند تا بتواند جواب دهد و به احتمال چند درصد سوتی هم ندهد. در پایان به دلیل اینکه وقت، جا و حوصله نداریم بحث درباره «ملت آمریکا ملت با فرهنگی هستند» که از افاضات همان جناب رحیم مشائی در همان یکی از آن چند باری که حواسشان نبوده است را به فرصتی دیگر می‌سپاریم و درباره ملتی که به زور، دویست سیصد سال از تاریخش که با غضب سرزمین‌های بومیان و قتل عام سرخپوست‌ها و به بردگی کشاندن سیاه پوست‌ها آغاز شده می‌گذرد و رئیس جمهورهایی چون بوش را به نمایندگی خود انتخاب می‌کند و چه پر شتاب راه انحطاط را با هم طی می‌کنند و خیلی با فرهنگ است صحبت می‌کنیم.



مسایل روز دنیا مهم‌ترین

سردبیر اضافی

۳. بالاخره علت‌های مختلف دست به دست هم دادند تا کاروان ورزشی کشورمان در المپیک خدای نکرده شکست بخورد بعضی‌ها تعداد این علت‌ها را ۱۰۸ تا (دو برابر تعداد ورزشکاران ما در المپیک) و بعضی‌ها ۲۱۶ تا (چهار برابر تعداد ورزشکاران ما در المپیک) و بعضی‌ها هم خیلی بیش‌تر از این حرف‌ها دانسته‌اند. علت‌هایی مانند: عدم برنامه‌ریزی علمی، صحیح و قوی، مدیریت ضعیف، نداشتن امکانات، ضعف روحیه بعضی از ورزشکاران، کم تجربه‌گی بعضی دیگر از ورزشکاران، کمبود بودجه و... البته کشورهایی مثل ایتوبی، زامبیا، جامائیکا و افغانستان که قبل از ما و بعضی از آنها بیش‌تر از ما مدال (نشان) گرفتند با یک برنامه‌ریزی دراز مدت و علمی و مدیریت اصولی و به کارگیری تمامی امکانات در حالی که نان شب نداشتند و با قحطی و جنگ دست و پنجه نرم می‌کردند، به این موفقیت‌ها دست یافتند. تازه کشورهای همیشه دوست، برادر و همسایه‌ای مثل عربستان، قطر و بحرین استثناء هستند و موضوعشان فرق می‌کنند آنها فقط پولشان را نشان می‌دهند و (نشان) می‌گیرند و اصولاً احتیاج به برنامه‌ریزی، مدیریت به کارگیری امکانات، آماده‌سازی ورزشکاران و... ندارند حالا بگذاریم که بعضی از ورزشکاران این کشورهای همیشه دوست، برادر و همسایه حتی زبان مادری آنجاها (عربی) را هم بلد نیستند (حتماً جزء اقلیت‌های قومی آنجاها هستند) و نکته آخر این که این کمبود بودجه هم واقعاً یک مشکل اساسی است. این پول‌های بی‌زبان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک که سر جمع ده میلیارد تومان بیشتر نمی‌شود یعنی تقریباً هر ورزشکار ... تومان؛ آخر این هم شد پول؟! حق دارند تکواندوکاران عزیز کشورمان در آن برنامه که فینال بازی تکواندو بین ساعی و آن ایتالیایی را پخش می‌کرد کلی گله کنند که ما امکانات و بودجه نداریم و باید به هزار تا چیز فکر کنیم (حتی بعضی وقت‌ها ننه‌مان می‌گوید برو توی صف بایست و نان بگیر) اما آن آمریکایی که هشت‌تا نشان طلا گرفته گفته من فقط سه تا کار بلدم خوردن و خوابیدن و شنا کردن. نمی‌دانیم چرا ما هی یاد ایتوبی و جامائیکا و افغانستان و... می‌افتیم.



چند تفسیر از

۱. هر چقدر درباره علت تأخیر این چند شماره نشریه فکر کردیم، دلیل قانع کننده‌ای پیدا نکردیم پس تصمیم گرفتیم این موضوع را فعلاً مسکوت بگذاریم.

۲. هر چی ما هیچی نگفتیم کس دیگر هم چیزی نگفت؛ پس ما بالاخره مجبور شدیم چیزی بگوییم (با اینکه مطمئن هستیم خوانندگان فرهیخته همه چیز را متوجه شده‌اند). یعنی این که متوجه شده‌اند از چند شماره قبل، نشریه به جای یک سردبیر دو یا سه یا چهار یا شاید هم پنج یا شش و حتی هفت و بالاتر سردبیر دارد، و این تعدد سردبیر فواید بسیاری دارد از جمله این که هر وقت مطالب ضعیفی در نشریه چاپ شد چون تقصیر همه سردبیرهاست پس تقصیر هیچ‌کس نیست و اگر بر حسب اتفاق مطلب خوبی در نشریه چاپ شود می‌تواند کار هر کس یا به عبارتی دیگر کار همه باشد؛ البته فواید این امر بسیار زیاده‌تر از این حرف‌هاست که چون ما جا کم داریم از شمردن و بیان آنها معذوریم!

